



تحلیلی کارکردی از نقش اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه روستایی

مطالعه موردی؛ زاهدشهر در بخش شبکوه فسا

عیسی ابراهیم‌زاده: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران *

نجمه طیبی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

یوسف شفیع: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

وصول: ۱۳۸۹/۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۳، صص ۱۷۲-۱۵۱

چکیده

نظر به اینکه تحولات جمعیتی ایران در دهه‌های اخیر، بیش از پیش افزایش تعداد شهرهای کوچک را در پی داشته است؛ این امر عطف توجه به جایگاه و نقش این شهرها در نظام سلسله مراتب شهری کشور از یکسو و کارکردهای اقتصادی آن‌ها در حوزه پیرامونیشان را از سوی دیگر ضروری ساخته است. در این مقاله نقش اقتصادی زاهدشهر به عنوان شهری کوچک، در نواحی روستایی پیرامون خود، با استفاده از مدل‌های ژاکلین بوژوگاریه و ژرژشاپو، ضریب مکانی و مدل ترسیم‌ی طولی- عرضی ایزارد، مورد پژوهش و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل مدل‌ها، مشخص شد که این شهر کوچک با دارا بودن مراکز خدماتی نسبتاً مطلوب اداری، آموزشی، تجاری و غیره، به عنوان مرکز خرید مازاد تولیدات کشاورزی و محل ارائه خدمات مورد نیاز به ساکنین حوزه نفوذ خود، توانسته نقش موثری را ایفا نماید. در عین حال یافته‌های این تحقیق نشان دهنده آن است که رشد و توسعه شهر کوچک زاهدشهر به طور مستقیم به شرایط اجتماعی و اقتصادی حوزه نفوذ پیرامونی وابسته است و ثبات جمعیت روستایی و تولیدات کشاورزی به واسطه کارآمدی ارائه خدمات در این گونه شهرهای کوچک به حوزه پیرامونیشان، آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند، زیرا چنانکه نتایج حاصل از تحلیل نمودار آیزارد در زاهدشهر نشان دهنده آن است که؛ شیب خط برابر ۱ (زاویه ۴۳ درجه) بوده و نشان دهنده همسویی روند رشد تعداد شاغلین در اقتصاد این شهر با اقتصاد ملی در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که توسعه اینگونه شهرهای کوچک از سویی وابسته به تمرکززدایی این کارکردها از نواحی شهری بزرگ و از سوی دیگر وابسته به توسعه حوزه نفوذ روستاییشان با یکپارچه کردن فعالیت‌های غیرزراعی روستایی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: شهرهای کوچک، کارکرد اقتصادی، خدمات رسانی، توسعه روستایی، زاهدشهر

مقدمه و طرح مسأله

جوامع انسانی ساکن در آن‌ها، با مشکلات عدیده‌ای روبه رو شده‌اند. یکی از بارزترین این مشکلات، تمرکزگرایی شدید در یک یا چند شهر و گسیختگی نظام سلسله مراتبی شهری در اکثر کشورها است (Hahs and mcdonnell, 2005: 51).

از گذشته دور تا کنون در همه تمدن‌ها و کشورها، شهرنشینی بارزترین نحوه تکامل جوامع انسانی به شمار رفته و می‌رود. لیکن با ظهور انقلاب صنعتی و با گسترش شتابان شهرها (مخصوصاً متروپل‌ها)،

سرمایه را فراهم می‌آورند (رکن‌الدین افتخاری و ایزدی، ۱۳۸۱: ۵۳)، چنین رویکردی امروزه در قالب راهبرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) مطرح است، که ایجاد شهرهای کوچک را در پیوند کارکردی با حوزه‌های روستایی محور قرار می‌دهد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۰).

اصولاً در صورت توجه به شهرهای کوچک مشکلات کمبود مسکن، بیکاری، ترافیک و غیره در شهرهای بزرگ که بیشتر به دلیل عدم توجه به عملکرد چنین شهرهایی است تا حدودی تعدیل خواهد شد (جوکار، ۱۳۸۶: ۳). زاهدشهر به عنوان شهری کوچک در استان فارس با سابقه ۲۰ ساله در شهرنشینی و ویژگی‌های طبیعی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی که دارا می‌باشد، از محرومیت و توسعه نیافتگی نسبی برخوردار است. گرچه با گذشت ۱۷ سال از تبدیل شدن این شهر به مرکز بخش شیبکوه، تا حدودی شاهد گسترش امکانات، فعالیت‌های تجاری، حمل و نقل و خدمات در شهر می‌باشیم و بخش‌های سنتی در حالت گذار و همزیستی با کارکردهای نوین در آن مشاهده می‌شود، لیکن تحرک نسبتاً پایین در اقتصاد روستایی و کل منطقه و کم توجهی به قابلیت‌های درونی بخش، تا حدود زیادی امکان تغییر و تحول مثبت را از حوزه روستایی زاهدشهر، گرفته است. شناخت قابلیت‌ها شهر و منطقه روستایی (کشاورزی، دامداری، گردشگری و غیره) و ارائه برنامه‌های مدون جهت استفاده درست از آنها می‌تواند وضعیت کنونی منطقه را بهبود بخشد. در این تحقیق با بررسی مسائل و مشکلات موجود در بخش شیبکوه، سعی شده، با استفاده از

بر اساس نتایج تحقیقاتی که در سال ۱۹۷۷ توسط سازمان ملل متحد منتشر شد، ۷۱ کشور از ۱۱۴ کشور در حال توسعه بر این عقیده بوده‌اند که توزیع فضایی جمعیت آنها غیر قابل قبول بوده و از این رو به اصلاحات اساسی برای ایجاد تغییرات قابل توجه در توزیع فضایی و جابه‌جایی داخلی جمعیت پرداخته‌اند. ۲۴ کشور یا در واقع ۲۰ درصد این کشورها، بر این عقیده بوده‌اند که نحوه‌ی توزیع جمعیت در کشورشان تا حدی غیرقابل قبول بوده و در خور مداخله و سیاستگذاری است (Avijta, 1999: 54). این روند کماکان وجود دارد، بطوریکه امروزه در ایران، شبکه شهری عملکرد سلسله مراتبی نداشته و شمار کانون‌های زیستی، توزیع فضایی و حجم جمعیتی آنها از یک نظام کارکردی سلسله مراتبی تبعیت نمی‌کند، و شبکه‌ی شهری هم‌چنان در جهت تمرکزگرایی در حال تحول است (نظریان، ۱۳۷۲: ۸۲). اینک با توجه به شلوغی بیش از حد شهرهای بزرگ و مشکلات ناشی از آن و هزینه‌ی گزاف احداث شهرهای جدید در ایران و عدم موفقیت کامل آنها (سرایی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۶) و همچنین تقویت شهرهای اقماری که خود در دراز مدت منجر به تمرکزگرایی و فشار بیشتر بر مادرشهرها می‌شود؛ یکی از بهترین ایده‌ها، جهت تمرکززدایی و توسعه‌ی همه مناطق کشور و تقویت یک شبکه‌ی منظم شهری - روستایی، ایجاد شهرهای کوچک است (ایزدی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). زیرا شهرهای کوچک روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی غیر زراعی و ارائه خدمات مورد نیاز، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگتر، نقش موثری ایفا نموده و زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و

مدل‌های بوژوگاریه، ضریب مکانی و مدل ایزارد، راهکارهای عملی توسعه در منطقه ارائه گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی- تطبیقی بوده و علاوه بر مطالعات اسنادی با انجام مطالعات میدانی اعم از مشاهده و مصاحبه و به خصوص تهیه و تکمیل پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز اخذ گردیده است. سپس با تلفیق و ترکیب اطلاعات اسنادی و میدانی به تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از مدل‌های بوژوگاریه، ضریب مکانی و مدل ایزارد به کمک نرم افزارهای (Auto cad, GIS, Office) پرداخته شد. در واقع در این تحقیق با بررسی مسائل و مشکلات موجود در بخش شبکه و با پی جویی راهکارهای چگونگی تقویت نقش زاهدشهر در توسعه روستایی منطقه، سعی شده تا راهبردهایی به منظور توزیع متناسب امکانات و خدمات به حوزه روستایی آن و در نتیجه تثبیت جمعیت و توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه ارائه گردد.

دیدگاه‌های نظری، مفاهیم و ویژگی‌های شهرهای کوچک

گروهی از محققین معتقدند یک اندازه بهینه شهر وجود ندارد، بلکه باید یک نظام بهینه توزیع شهری را مورد بررسی قرار داد. در آن صورت اندازه‌های گوناگونی از شهر وجود دارد که با توجه به محل آن در نظام توزیع شهری می‌تواند در حد مطلوب باشد (عابدین درکوش، ۱۳۷۲: ۸۳). تعریف شهر کوچک نیز به همین نسبت متغییر است، اما معمولاً اگر جمعیت یک شهر بیش از ۱۰ هزار نفر باشد، شهر کوچک نامیده می‌شود (سیف الدینی، ۱۳۷۸: ۴۲۲).

همچنین بین اندازه شهر و نوع فعالیت عمده و تنوع عملکردهای آن ارتباط قوی وجود دارد. شهرهای کوچک عمدتاً بستر ایجاد صنایع و بنگاههای اقتصادی کوچک هستند و از اثرات زاینده صنایع بزرگ نیز به دور می‌مانند. این گونه شهرها اصولاً رشد با نرخ‌های بالا را نمی‌توانند تجربه کنند (علی بابایی، ۱۳۸۱: ۱۰).

اهم ویژگی شهرهای کوچک عبارتند از:

- نسبت قابل توجهی از نیروی کار شهر به فعالیت‌های غیر کشاورزی مشغولند،
- نقش اداری نسبتاً جزئی دارند و عموماً مرکز تجمع خدمات عمومی رده پایین از جمله مراکز بهداشت و مدرسه هستند،
- در تولید منطقه‌ای و ملی نقش نسبتاً جزئی دارند، اما به عنوان مرکز ارائه دهنده کالا و خدمات به ساکنین نواحی پیرامونی و نیز فراهم آوردن دسترسی به شبکه‌های حمل و نقل منطقه‌ای و ملی نقش مهمی دارند،
- از طریق شهرهای کوچک، جمعیت مناطق روستایی و کشاورزی بیشترین ارتباط را با مراکز تجمع خدمات عمومی دارند (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۶).

نظریه راهبرد توسعه شهرهای کوچک

راهبرد توسعه شهرهای کوچک نیز به همراه راهبرد توسعه شهرهای متوسط از دهه ۱۹۷۰ مطرح گردید. در واقع از این دهه به دلیل افزایش دلسردی و سرخوردگی نسبت به مکانیزم - رخنه به پایین، مطرح شده از سوی مکتب نئوکلاسیک - ب هم‌منظور رشد اقتصادی، توجه محققان و برنامه ریزان به مکان‌های شهری کوچک و متوسط برای ایجاد یک الگوی عادلانه تر اقتصاد فضایی هدایت شده است

کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. در واقع راهبرد شهرهای کوچک، توزیع شهرنشینی با رویکرد پایین به بالا است و این یک واکنش به نارضایتی از رویکردهای بالا به پایین در برنامه ریزی منطقه ای در کشورهای در حال توسعه است. رویکردی که ریشه در تئوری اقتصاد نئوکلاسیک دارد. زیرا این دیدگاه چنین استدلال می‌کند که سرمایه‌گذاری تولیدی می‌بایست در مراکز صنعتی شهری به منظور بهره‌گیری از صرفه جویی‌های خارجی، تخصیص نیروی کار و فرآیندهای تشویقی - تجمعی متمرکز شوند (Omoja Lawrence, 1987, pp.67-69). به عبارت دیگر تمام رویکردهای توسعه که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ پدیدار شده‌اند، همچون رویکرد نیازهای اساسی، توسعه روستا-شهری و قلمرو بسته انتخابی و رویکردهای رشد شتابان و غیره ایجاد و تحرک مراکز شهری کوچک در نواحی روستایی را مورد تاکید قرار داده‌اند، هرچند بین رویکردهای مختلف در تاکیداتشان درباره نقش این مراکز شهری در بهبود توسعه روستایی تمایز عمده‌ای وجود دارد. به طور کلی توسعه شهرهای کوچک از آغاز دهه ۱۹۸۰ مورد توجه بیشتری قرار گرفته، به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۰ که کنفرانس بین‌المللی در مورد جمعیت و آینده مناطق شهری در شهر رم تشکیل شده بود، نیاز به عدم تمرکز و توسعه شهرهای کوچک تر نیز مورد تاکید قرار گرفت (جعفرزاده راستین، ۱۳۶۶: ۲۶). تحقیقات و تجارب اخیر در کشورهای در حال توسعه مزیت و فواید شهرک‌ها و شهرهای کوچک را در برانگیختن توسعه روستایی و یکپارچه کردن اقتصاد شهری و روستایی مورد تاکید قرار داده‌اند. چنانکه در کشورهایی با ویژگی‌های اجتماعی،

(Omoja Lawrence, 1987, p.336) از این دوره، بجای توجه به سطوح بالای سیستم شهری، این عقیده که شهرها می‌توانند به بهبود توسعه نواحی روستایی کمک کنند، مورد توجه بیشتر قرار گرفت و توجه و تمرکز را بر روی روستا-شهرها (Rural - Town) و شهرهای کوچک در پایین سلسله مراتب شهری متمرکز نمود. کار اولیه در این زمینه که به وسیله "جانسون" (۱۹۷۰) انجام گرفت، ریشه در تئوری مکان مرکزی دارد. وی با توجه به مطالعه موردی بر روی کشور هند، استدلال کرد که توسعه روستا-شهرها جهت پر کردن شکاف بین شهرهای بزرگ انگلی و روستاها، یک شرط اساسی برای تجاری کردن کشاورزی است؛ از این رو یکی از وظایف برنامه ریز، بهبود رشد شهرهای بازاری است. بر مبنای تئوری مکان مرکزی به عنوان چارچوب این بحث، شهرها همچنین می‌بایست در رابطه با یکدیگر شناخته شوند تا فضای مناسب و ترکیب کارکردی به وسیله اندازه و موقعیت در سلسله مراتب شهری تضمین شود. بعدها این ایده جانسون به وسیله "راندینلی" تحت عنوان رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) پیراسته شد و دفاع جانسون از انتخاب روستا-شهرهای کلیدی در مراکز توسعه روستایی، به عنوان یک مجموعه از نقش‌هایی که به وسیله شهرهای کوچک و شهرها در نواحی روستایی برای توسعه روستایی ایفا شده است، توسط راندینلی تفسیر مجدد شد (Douglass, 1998, p.5).

راندینلی و رودل (۱۹۷۶) مطرح نمودند که شهرهای کوچک به واسطه دامنه کالاهایی که آنها برای ساکنان روستایی تدارک می‌بینند، نقش حیاتی در برانگیختن توسعه در نواحی روستایی در

شهرهای کوچک بین شهرهای بزرگ و شهرهای میانی از یک سو و نواحی بزرگ روستایی از سوی دیگر قرار گرفته اند و به عنوان یک پیونددهنده بین این دو عمل می کنند. توسعه شهرهای کوچک، برای توسعه افزایش تولیدات کشاورزی و برای مبادله کالاها بین شهر و پیرامون و مشارکت اقتصادی بین شهر و حوزه نفوذ آن مفید هستند. اصولاً منطق به کارگیری شهرهای کوچک برای بهبود پیوندهای روستایی - شهری ناشی از نیازهای زیر است:

- اهمیت پیوندهای روستایی - شهری در رشد اقتصاد بازار کشاورزی؛

- نیاز به بهبود دسترسی بازارها برای نهاده‌های کشاورزی؛

- ایجاد زمینه‌های اشتغال برای نیروی کار مازاد روستایی؛

- ایجاد بازار برای کالاهای کشاورزی؛

به طور کلی ابعاد تقویت پیوندهای روستایی - شهری اثر مطلوب بر روی بهره‌وری و تولید کشاورزی، رفاه روستایی و ثبات منطقه‌ای دارد. چنین ابعادی عبارتند از: بهبود بازارهای کشاورزی و خدمات در مراکز بازاری، تمرکز خدمات عمومی سطح بالا در مراکز شهری برگزیده، افزایش مشاغل در شهرهای کوچک و در نواحی روستایی، بهبود حمل و نقل درون منطقه‌ای که به رفت و آمدهای روزانه بین شهر و پیرامون و مهاجرت دورانی کمک می کند، یکپارچگی شبکه جاده‌های بین مزرعه و بازار و ترغیب تولید محلی نهاده‌ها، ابزار و ماشین آلات کشاورزی و غیره.

اقتصادی و سیاسی متفاوت، شهرک‌ها و شهرهای کوچک از طریق تامین دسترسی به خدمات، تسهیلات و فرصت‌های اشتغال غیرکشاورزی و از طریق تدارک و تامین انگیزه‌ها و مشوق‌های لازم برای تجاری کردن کشاورزی به دگرگونی اقتصاد نواحی روستایی کمک کرده اند. یافته‌های پژوهشی در نواحی مختلف نشان دهنده آن است که زمانی که پیوند کافی بین شهرک‌ها و شهرهای کوچک و حوزه نفوذشان افزایش و بهبود یابد، این مراکز قادر خواهند بود تا سیستم‌های سکونتگاهی را در اینگونه نواحی مفصل بندی کنند و به یکپارچه کردن آن‌ها در اقتصاد ملی کمک نمایند. در واقع شهرک‌ها و شهرهای کوچک می توانند به عنوان مراکزی برای بازاریابی، خدمات، تجارت و فرآوری محصولات کشاورزی، حمل و نقل، توزیع، ارتباطات و مبادله و به عنوان مراکزی برای صنایع کوچک مقیاس بمنظور اشاعه نوآوری و برای کنش و واکنش (فعل و انفعالات متقابل) اجتماعی، انجام وظیفه کنند (Rondinell, 1983, p.379). امروزه با آن که نقش شهرهای کوچک و شهرک‌ها شناخته شده است، با این حال بمنظور شناخت همه جانبه از ویژگی‌ها و مشکلات شهرک‌ها و شهرهای کوچک، لازم است تا سیاست‌هایی که برای توسعه آن‌ها ضروری است، نیز شناخته شود (Geroge, 1993, p.337). در جدول (۱) به طور خلاصه به جایگاه شهرهای کوچک در نظریه‌های سازمان یابی و توسعه سکونتگاهی پرداخته ایم.

نقش شهرهای کوچک در روابط و پیوندهای

شهری - روستایی

جدول ۱- جایگاه شهرهای کوچک در نظریه‌های سازمان‌یابی و توسعه سکونتگاهی

نظریه	پدیده‌های مورد بررسی	مشخصات و اصول عمده نظریات	نتایج حاصله از نظریات	نحوه ارتباط نظریه با شهرهای کوچک
مکان مرکزی	پیش‌بینی (خدمات)	- تحلیل همزمان توزیع سلسله مراتبی و الگوهای فضایی آنها - ساده بودن فروش آن‌ها و کاربرد آن به لحاظ نظری (تکامل نظریه از ۶ مرحله تشکیل شده است) - متفاوت بودن سلسله مراتب سکونتگاه در اصول سه گانه: بازاریابی، حمل و نقل و اداری	- توجه به یک نظم واقعی در جهان یعنی وجود سلسله مراتب کونتگاهها و نشان دادن اهمیت آن‌ها برای توسعه اقتصادی - تا یک مکانی از مکان‌های مرکزی رتبه بندی شده در اقتصاد بوجود نیاید، رشد و توسعه به تمام مناطق تراوش نخواهد کرد.	مکان‌های مرکزی عموماً مترادف است با شهرهای کوچکی که به صورت مراکز برای جامعه‌های ناحیه ای خدمت می‌کنند و برای آن‌ها کالاهای اساسی فراهم می‌آورند.
U.F.R.D (علائق شهری در توسعه روستایی)	نحوه استقرار خدمات شهری در مراکز روستایی	- با تحلیلی فضایی- منطقه ای، شیوه ای از تعیین سکونتگاه‌ها را به دست می‌دهد که سرمایه گذاری‌ها می‌توانند بطور موثر و کارا تر در آن‌ها مکان یابی شود. - اقتصاد منطقه ای را در کم کردن شکاف بین شهر و روستا یکپارچه می‌بیند.	- دستیابی به یک سلسله مراتب یکپارچه از مراکز خدمات به طوری که دامنه وسیعی از عملکردها برای تعداد زیادی از مردم بدون وجود تمامی آن‌ها در هر سکونتگاه فراهم گردد. - توسعه عرصه‌های روستایی با تقویت شهرهای کوچک و میانی امکان پذیر است.	شهرهای کوچک و زیرساخت‌ها و فعالیت‌های مولدی که به طور بالقوه و بالفعل در خود دارند می‌توانند نقش مهمی در برانگیختن توسعه در عرصه روستایی ایفا کنند. بدین صورت چون تمامی مراکز روستایی عملکردهای شهری را داشته باشند، شهرهای کوچک به واسطه ظهورند و ارتباطی که با یکدیگر و نواحی روستایی دارند به عنوان حلقه اتصالی با نواحی روستایی محور کار در توسعه منطقه ای قرار می‌گیرند.
مرکز- پیرامون	فضای توسعه	- گسترش اقتصاد مکانی در یک سرزمین شامل یک فرایند ۴ مرحله ای است: ۱- مرحله پیش صنعتی با مراکز محلی مختلف بدون سلسله مراتب ۲- مرحله صنعتی شدن همراه با ظهور یک مرکز قوی با حاشیه ای وسیع ۳- بلوغ صنعتی و ظهور مراکز فرعی در کنار مرکز اصلی همراه با حاشیه ای پر قدرت ۴- ادغام اقتصاد منطقه ای و رسیدن به حداقل ناموزونی‌های درون منطقه ای.	- در مرحله اول این الگو شهرهای کوچک دارای حداکثر قدرت محلی بوده ولی هیچ نقشی در توسعه ملی و منطقه ای نداشته است و چه بسا دارای رشد انگلی و تغییر منفعلانه از روستا هستند. - در مراحل دوم و سوم الگو، شهرهای کوچک به ضعف می‌گیرند و نواحی روستایی بیشترین تنزل را پذیرا می‌شوند. - نهایتاً در مرحله آخر است که شهرهای کوچک خود را در سلسله مراتب شهرهای بازیابند و توسعه به حاشیه نیز کشیده می‌شود.	
توسعه روستا- شهری	روستا و شهر به عنوان کلیت منطقه	- با انتقاد از رشد اقتصادی، صنعتی شدن و تحقق آن در چند مرکز بزرگ شهری، قطب رشد و راهبرد بعد فضایی توسعه درسه سطح ملی، منطقه ای و شهری، رهیافت آگروپولیتن مطرح می‌شود. - با تأکید بر نیازهای پایه، مدلی از توسعه پیشنهاد می‌شود که هدف اولیه آن رشد اقتصادی نیست بلکه توسعه اجتماعی است. - در اقتصاد کشاورزی به توسعه روستایی توجه دارد و برنامه ریزی روستایی را به صورت نامتمرکز و متکی به مشارکت مردم و مبتنی بر خصوصیات محلی می‌داند.	- تغییر چهره نواحی روستایی از طریق انطباق عناصر زندگی - کاهش نابسامانی‌های اجتماعی در مسیر توسعه - نتیجه آرمانی توانمندسازی جمعی برای آزادسازی انرژی اجتماعی برای گذار به توسعه - فعالیت‌های کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی - اتصال نواحی روستا- شهری به شبکه ارتباطی منطقه ای	شکل سوم از دیدگاههای توسعه منطقه ایست و در نقد، توسعه شهری (قطب رشد) و توسعه روستایی است. حد وسط این دو دیدگاه توسعه روستا- شهری است و بهترین حالت برای امکان تحقق این نظریه، شهرهای کوچک هستند.

مجاورت بازارها نسبت به هم با توجه به عوامل رقابت، بررسی گردد (شکویی، ۱۳۸۵: ۳۰۲).

بنابراین توفیق شهرهای کوچک در روابط شهر و روستا، بیشتر به انتخاب دقیق و مطلوب "موقع شهرهای کوچک" و اجرای موثر طرح‌ها، وابسته است. موقع یک شهر کوچک باید بر اساس ظرفیت‌های مطلوب اقتصادی حوزه نفوذ آن، ظرفیت‌های موجود آن در فعالیت‌های اقتصادی، سطوح فعلی تامین عوامل زیربنایی و در نهایت کاربرد مجموعه طرح در افزایش فعالیت‌های بازار شهرهای کوچک ارزیابی شود (شکویی، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

در واقع با توجه به نقش اساسی شهرهای کوچک به عنوان مراکز خدمات منطقه ای در توسعه ی نواحی روستایی و کاهش اثرات تمرکز در مراکز شهری بزرگ، این شهرها، از قابلیت ادغام نمودن شبکه شهری با شبکه روستایی برخوردار هستند. به عبارت دیگر از راهبردهای اساسی دستیابی به تعادل بخشی نظام سکونتگاهی و پخش فضایی توسعه، ایجاد رابطه ی رشدزایی مراکز شهری و روستایی است که از طریق این نوع مراکز (شهرهای کوچک) صورت می‌گیرد (نوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۲).

نقش شهرهای کوچک در توسعه اقتصادی

روستاهای پیرامون

مطالعه جغرافیای شهری عموماً روی شهرهای بزرگ تمرکز کرده است، اما همچنان مسیرهای جغرافیایی بر موضوعات شهری کوچک تر تأثیر می‌گذارند و توجه محققین را سزاوار است. اقتصاد

این مبادلات می تواند برای هر دو ناحیه سودمند باشد و از این رو سبب ایجاد رشد در مراکز شهری و توزیع اثرات آن در رشد نواحی روستایی خواهد شد. برای اینکه شهرهای کوچک بتوانند در ایجاد و بهبود پیوند و روابط بین روستا و شهر واقع شوند، می بایست ملاک‌ها و معیارهایی در نظر گرفت. این پیوندها به یک گروه از ارتباطات فضایی اشاره دارند (جریان مردم، کالا، خدمات و اطلاعات) و کنش‌های متقابل مربوط به بخش‌های اشتغال و کارهایی غیرمزرعه ایی روستایی و کشاورزی شهری (George, 2005, p: 27). در واقع علاوه بر تقویت فیزیکی، برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به امر توسعه در روابط شهرهای کوچک و روستاها، بایستی در انتخاب شهرهای کوچک بر ملاک‌های زیر تاکید شود:

انتخاب شهرهای کوچک بر پایه توان اقتصادی آن باشد؛

جمعیت حوزه نفوذ بازار مراکز انتخابی، مشخص شود؛

قدرت تولیدات کشاورزی و دامداری حوزه نفوذ بازار تعیین گردد؛

ظرفیت اقتصادی حوزه نفوذ بازار معین شود؛

سطوح موجود در شرایط زیربنایی توسعه و فعالیت‌های غیرکشاورزی در مرکز و حوزه نفوذ بازار مد نظر قرار گیرد؛

اولویت‌های محلی - ناحیه‌ای برای رسیدن به حداکثر سود در نظر گرفته شود؛

برای توسعه نواحی روستایی به کار بگیرند. در این زمینه برنامه ریزی در جامعه، مهم‌ترین سرمایه محلی ساکنین آن جامعه است (Harris and Tanaka, 2005, p2). بطور کلی شهرهای کوچک توسعه اقتصادی نواحی روستایی پیرامون را در زمینه‌های ذیل تسهیل می‌نمایند:

الف- توسعه کشاورزی

شاید مهمترین نقش شهرک‌ها و شهرهای کوچک در توسعه کشاورزی این است که آنها به واسطه این که کالاهای کشاورزی از مزرعه به بازارهای نهایی جریان پیدا می‌کند، ساختار فیزیکی مربوطه را شکل می‌دهند. شهرها به نوبه خود برای رشد و بقای خودشان به تولیدات کشاورزی وابسته هستند، همچنین اقتصاد شهرهای کوچک نیز مانند شهرهای بزرگتر به فعالیت‌های تولیدی کشاورزی برای اشتغال وابسته است (Rondinelli, 1983, P.25-27).

شهرهای کوچک در حمایت از رشد تولید کشاورزی و درآمدهای روستایی نقش حیاتی بازی می‌کنند و این نقش حیاتی از دو طریق عمده اعمال می‌شود: اولاً شهرهای کوچک به عنوان مراکزی برای جمع‌آوری و بازاریابی تولید مزارع عمل می‌کنند (نقش آشکارتر)؛ ثانیاً توزیع نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی را عهده دار هستند (نقش فرعی تر) (Evans, 1992, P.663). راندینلی معتقد است که شهرک‌های بازاری و شهرهای کوچک نقش با اهمیتی به عنوان بازار برای محصولات کشاورزی، منبع تامین نهاده‌های تجاری و کشاورزی و مراکز اشتغال زراعی به عهده دارند. پیوندهای اقتصادی و فیزیکی بین

محلی شهرداری‌های کوچک تر برای مثال در ژاپن، با پس رفتگی در دهه اخیر خسارت جدی به اقتصاد شهرهای بزرگتر بوده است (Yamashita, 2004, p:1). شهرهای کوچک و نواحی روستایی حوزه نفوذشان در بخش سیستم اقتصادی، یکسان فعال هستند و در نتیجه انواع ارتباطات اقتصادی متعدد بین آنها وجود دارد. در نتیجه این اتصالات، شهرهای کوچک به عنوان یک جزء مهم، اقتصاد جامعه روستایی را شکل می‌دهند؛ چرا که توانایی رشد اقتصادی شهرهای کوچک در نواحی روستایی تولید می‌شود.

در این میان این سوال مطرح می‌شود که آیا شهرهای کوچک با احتمال داشتن فاصله کانونی مناسب برای تحریک کردن رشد اقتصادی در نواحی روستایی موثر می‌باشند؟ رشد شهر اساساً لزوم ارتباطات داخلی قوی را حتمی می‌سازد، با این وجود، عطف توجه به مطالب زیر در این ارتباط ضروری است:

- ارتباطات نسبتاً ضعیف بازرگانی بین شهرها و نواحی داخلی اثر می‌گذارد؛
- اتصالات قوی تر شهرها زمینه اشتغال را برای خانواده در نواحی داخلی فراهم می‌نماید؛
- رابطه قوی تر در شهرها و نواحی داخلی در مقابله با عوامل خارجی موثراند؛
- شهرها عامل بالقوه را مجبور می‌کنند که رشد اقتصادی وسیع‌تر را تولید نمایند (Scottish Agricultural College, March 2005 p 10). در واقع شهرهای کوچک شدیداً باید به دنبال سرمایه‌های موجود در جامعه باشند و همچنین آنها را

نواحی روستایی و مراکز شهری و بین شهرهای کوچک و شهرهای بزرگتر در یک ناحیه، منجر به آن خواهد شد که نقش مهمی در تسهیل روابط پویا بازی کنند و این امکان را فراهم می سازد که اقتصاد ناحیه ای رشد کرده و متنوع گردد و از طریق توسعه کشاورزی، توزیع درآمد را تسهیل گرداند (ایزدی، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

ب- توسعه صنعتی

شهرهای کوچک با توجه به پیوند نزدیک شان با محیط روستایی می توانند به افزایش و بهبود و توسعه صنایع روستایی به ویژه صنایع دستی و بومی کمک کنند و در متنوع ساختن اقتصاد روستایی و ترکیب و پیوند اقتصاد شهرهای کوچک و بزرگ موثر واقع شوند و از طرف دیگر، توسعه این شهرها نیز توزیع صنایع را بهبود خواهد بخشید (Deyin & Zangfen, 1982, PP.25-26). در واقع تقویت توسعه صنعتی در شهرهای متوسط و کوچک و پیوند این برنامه‌ها با نواحی روستایی اطراف، از طریق تشویق تجارت و مانند این‌ها، بهترین راه انتقال منافع صنعتی شدن جدید به روستا می باشد و موجب پیدایش یک سازمان مکانی کارآمد در کشورهای در حال توسعه می گردد (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۵: ۵۹).

امروزه بسیاری از محققان توسعه بر این عقیده اند که تمرکززدایی صنعتی از شهرهای بزرگ به سوی شهرهای کوچک و مراکز روستایی، منجر به افزایش مصرف و ایجاد درآمد در مناطق روستایی می گردد و

از آلودگی محیط زیست به دلیل ماهیت صنایع روستایی، کاسته شده و روابط منطقی میان کار و نوع تکنولوژی را از طریق انتخاب تکنولوژی مناسب ایجاد نموده و با توزیع فضایی صنایع، موجب شکل گیری نوعی سازمان اجتماعی متوازن در مناطق روستایی خواهد گردید (نوذری، ۱۳۸۶: ۴۳). در عین حال بسیاری از محققان همچون راندینلی، پرکاش ماتور، ریچاردسون و غیره شهرهای کوچک را مکان‌های مناسبی برای فرآوری محصولات غذایی کوچک مقیاسی و صنایع فرآوری محصولات کشاورزی کوچک مقیاس دانسته و معتقدند که یکی از راه‌های تامین فرصت‌های شغلی غیر زراعی در شهرهای کوچک، سرمایه گذاری در این نوع صنایع است و لازمه این کار تشویق بخش خصوصی به روی آوری به شهرهای کوچک از طریق ایجاد شهرهای صنعتی، تامین تاسیسات و تسهیلات زیربنایی نظیر آب، برق و غیره توسط دولت، معافیت مالیاتی، پرداخت یارانه نرخ بهره در شهرهای کوچک و محدودیت توسعه صنایع در شهرهای بزرگ است. این تحقیقات روشن ساخته اند که شهرهای کوچک می توانند در ایجاد صنایع مورد نیاز بازارهای محلی توفیق یابند (شکویی، ۱۳۸۵: ۴۱۵). بطور کلی صنعتی کردن مناطق روستایی و استقرار صنعت در شهرهای کوچک برای دستیابی به اهداف اولیه زیر می باشند که عبارتند از:

ایجاد اشتغال غیرکشاورزی، برای روستاییان بیکار و نیمه کار در خود ناحیه؛

- در روستاها کالاهای ارزان قیمت و مناسب برای گروه‌های کم درآمد شهری تهیه می‌شود؛
- تولیدات روستایی - کشاورزی، باعث تاسیس کارخانه‌های بزرگ شهری و شرکت‌های معتبر تجاری شهرها می‌شود که عمده فروشی مواد غذایی از آن جمله است (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۹۶).

به طور کلی ایجاد مراکز بازاری با تکیه بر برقراری یک سلسله مراتب مناسبی از مراکز توسعه، یکی از عناصر پایدار توسعه روستایی است و شهرهای کوچک در برقراری این سلسله مراتب نقش بسزایی دارند و می‌توانند شکاف بین روستاها و مادرشهرها را پر کنند و مراکز بازاریابی و توزیع را در سطح محلی توزیع نمایند (ایزدی، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

موقعیت جغرافیایی و تحولات جمعیتی زاهد شهر
شهر زاهدشهر در موقعیت ۵۳ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۲۸ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی به عنوان مرکز بخش شیپکوه در جنوب شرق شهرستان فسا واقع گردیده است. زاهدشهر در پهنه‌ای دشت مانند در میان دو رشته کوه واقع گردیده که همین امر موجب گرایش توسعه خطی آن در امتداد محور مواصلاتی فسا- زاهدشهر شده و این محور به عنوان ستون فقرات اصلی شهر از میان آن عبور نموده است. دشت زاهد شهر در همه نقاط بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (www.googlemap.com). در جدول (۲) آمارهای جمعیتی مربوط به شهرستان فسا، بخش شیپکوه و شهر زاهدشهر و در نقشه (۱) موقعیت زاهدشهر و بخش شیپکوه در تقسیمات سیاسی شهرستان فسا آمده است.

کمک به جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری؛
تقویت پایه‌های اقتصادی مراکز روستایی؛
استفاده کامل از مهارت‌های موجود در ناحیه؛
فرآوری تولید کشاورزی محلی؛
تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی، برای کشاورزان و دیگر افراد محلی (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۵: ۳۸۰):

ج- خدمات (مراکز بازاری)

اصولاً از دیدگاه اقتصاد نواحی روستایی، شهرها به عنوان مراکز بازار تجاری، نقش محوری در تقویت و دوام بخشی کشاورزی و گسترش آن، ایجاد پایگاهی برای تنوع فعالیت‌های اقتصادی ناحیه و فرایند ازدیاد درآمد ناحیه بر عهده دارند. در واقع مزارع از طریق بازاریابی صادرات خود، نخستین ابزارهای کسب درآمد از اقتصاد بیرونی به درون یک ناحیه روستایی به شمار می‌آیند. بطور کلی شهرهای کوچک بخصوص در جهان سوم نقش مهمی در بازاریابی محصولات کشاورزی روستاها بر عهده دارند، بدان سان که در زیر اشاره می‌شود:

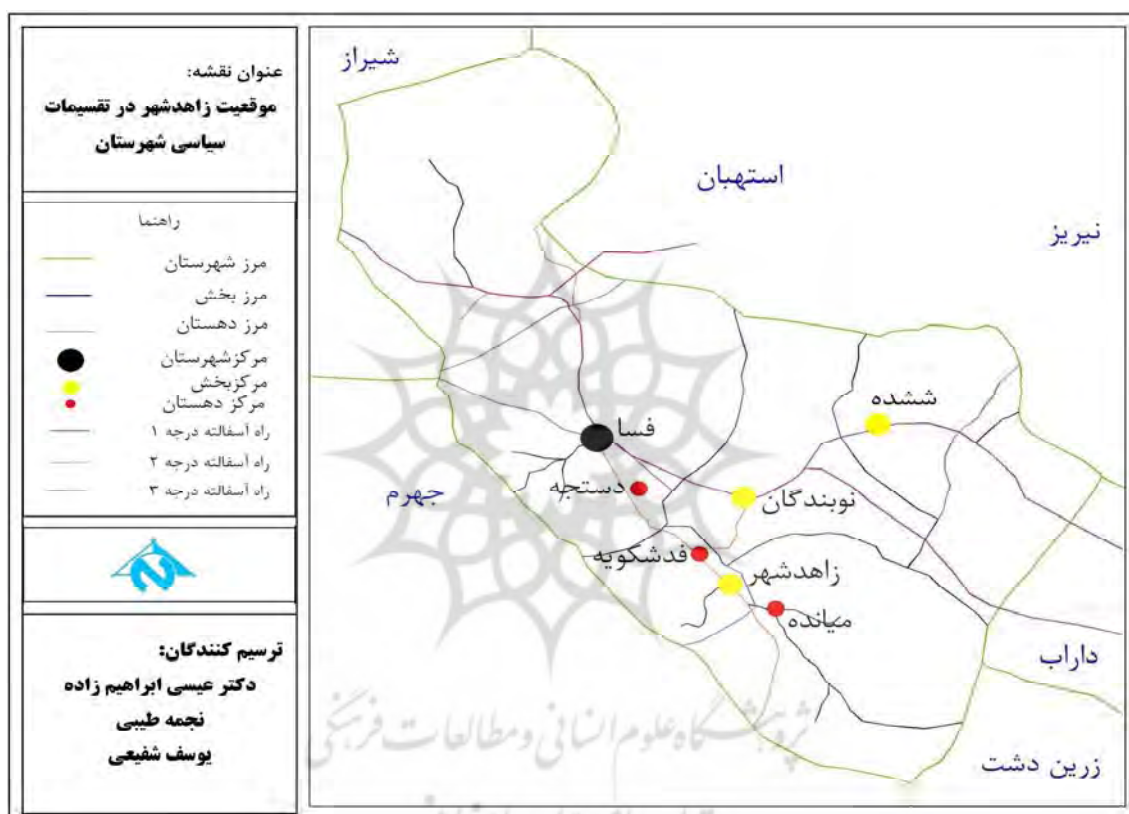
- شهر، مرکز خرید و توزیع مجدد تولیدات کشاورزی به شمار می‌آید که بخشی از این تولیدات در داخل شهرها به مصرف می‌رسد و بخشی دیگری نیز به خارج از کشور صادر می‌شود؛

- از طریق شهرها تولیدات روستایی، هم به شهرهای کوچک ناحیه ارسال و هم به بزرگ‌ترین شهرها صادر می‌گردد؛

جدول ۲- میزان جمعیت بخش شییکوه در سرشماری‌های ۸۵-۱۳۶۵

جمعیت						سال
نرخ رشد زاهدشهر	نرخ رشد بخش شییکوه	نرخ رشد شهرستان فسا	زاهدشهر	بخش شییکوه	شهرستان فسا	
۰/۷۶	-۱/۱۳	۱/۴۵	۹۷۳۳	۲۱۱۶۱	۱۵۹۱۰۵	۱۳۶۵
			۱۰۴۹۵	۱۸۸۸۰	۱۸۳۸۱۸	۱۳۷۵
-۰/۱۹	-۰/۲۶	۰/۴	۱۰۲۹۳	۱۸۳۹۳	۱۹۲۹۴۶	۱۳۸۵

ماخذ: سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار استان فارس، ۱۳۸۵ - ۱۳۶۵



شکل ۱- موقعیت زاهدشهر در تقسیمات سیاسی شهرستان ماخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۸۸

پیدایش شهر زاهدشهر نتیجه تحول تدریجی یک سکونتگاه روستایی به مکان مرکزی ناحیه می باشد. به طوری که زاهدشهر تا قبل از سال ۱۳۶۸ خود نیز به عنوان یک نقطه روستایی در سرشماری‌ها مورد آمارگیری قرار گرفته است. طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ زاهدشهر دارای ۱۰۲۹۳ نفر جمعیت و ۲۳۰۱ خانوار بوده است (مرکز آمارایران، ۱۳۸۵). همچنین بخش شییکوه با مساحتی در حدود ۱۰۰۴ کیلومتر مربع نزدیک به ۲۴ درصد از مساحت شهرستان فسا را در بر گرفته است. این بخش در جنوب غربی شهرستان فسا قرار دارد. موقعیت خاص این بخش باعث گردیده تا نقش دومین بخش را در شهرستان داشته باشد. بطوریکه زاهدشهر به عنوان دومین شهر بعد از شهر فسا بخشی از خدمات مورد

پیدایش شهر زاهدشهر نتیجه تحول تدریجی یک سکونتگاه روستایی به مکان مرکزی ناحیه می باشد. به طوری که زاهدشهر تا قبل از سال ۱۳۶۸ خود نیز به عنوان یک نقطه روستایی در سرشماری‌ها مورد آمارگیری قرار گرفته است. طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ زاهدشهر دارای ۱۰۲۹۳ نفر جمعیت و ۲۳۰۱ خانوار بوده است (مرکز آمارایران، ۱۳۸۵).

نیاز ساکنین بخش شییکوه را تامین می‌کند. قرار داشتن این بخش در مسیر جاده ارتباطی اصلی فسا - جهرم اهمیت منطقه ای این بخش را افزایش داده است. جمعیت نسبتاً بالای زاهدشهر بعنوان مرکزیت بخش شییکوه خود گویای اهمیت و نقش این بخش در بافت جمعیتی جنوب غربی شهرستان است.

تحلیل شاخص‌های اقتصادی زاهد شهر و تاثیر آن بر اقتصاد پسرکانه روستایی آن

یکی از عوامل اساسی در مطالعات و برنامه ریزی‌های شهری و منطقه‌ای توجه به اوضاع اقتصادی محدوده و منطقه مورد مطالعه می‌باشد. شهر زاهدشهر به عنوان مرکز ارائه دهنده خدمات در سطح بخش شییکوه، که اساساً منطقه‌ای کشاورزی محسوب می‌شود، ایفای نقش می‌کند. نگرش به شهر جدای از پسرکانه اقتصادی آن تا حدی زیادی نگرش ناقص خواهد بود و نقش شهر زمانی بهتر شناخته می‌شود که به عنوان عضوی از سیستم کلی که در آن قرار گرفته، دیده شود. در این میان بررسی شاخص‌ها و معرفه‌های مهم تاثیرگذار اقتصادی نیز در این میان از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. شاخص‌هایی نظیر

نرخ اشتغال، نرخ بیکاری، بارتکفل، چگونگی پراکنش نیروهای فعال در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات، و شاخص‌های درآمد، هزینه، قیمت مسکن و زمین و در کنار این عوامل بررسی وضعیت بازارهای مالی منطقه، بررسی کارگاه‌ها و شرکت‌های تعاونی فعال در سطح منطقه، همچنین واحدهای بهره برداری تولیدی، نوع محصولات تولیدی و انواع آن نیز از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند، که در زیر چگونگی آن‌ها در زاهد شهر و حوزه نفوذ روستایی آن در ادامه بررسی و تحلیل گردیده است. با توجه به اینکه زاهدشهر مرکز بخش شییکوه بوده و بعضی از مراکز اداری، خدماتی و کارگاهی مورد نیاز روستاهای اطراف آن، در این شهر وجود دارد و همچنین محور مواصلاتی فسا به می‌انده و شهرستان جهرم نیز از مرکز این شهر می‌گذرد، قاعدتاً این کارکردها می‌تواند به عنوان نقطه جذب جمعیت از مناطق و سکونتگاه‌های اطراف موثر باشد، در عین حال تاثیر بسیار زیادی نیز بر توسعه شهرستان می‌گذارد.

جدول ۳- جمعیت فعال، شاغل و بار تکفل در شهر زاهدشهر سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سال	جمعیت	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر		جمعیت فعال		شاغلین		بیکار		بار تکفل ناخالص	بار تکفل خالص
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱۳۷۵	۱۰۴۹۵	۷۸۱۸	۷۴/۵	۲۴۵۱	۳۱/۴	۲۰۱۴	۸۲/۲	۴۳۷	۱۷/۸	۴/۲	۳/۳
۱۳۸۵	۱۰۲۹۳	۸۸۱۶	۸۵/۶۵	۳۱۲۳	۳۴/۷	۲۵۵۴	۸۲	۵۶۹	۱۸	۳	۲/۳

ماخذ: محاسبات نگارندگان بر پایه آمار سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

۱۳۸۵، بر تعداد جمعیت شاغل شهر زاهدشهر ۵۴۰ نفر اضافه شده است که این نشان دهنده بهبود اوضاع اقتصادی و افزایش سرمایه گذاری و در نتیجه توسعه

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل جدول (۳) نشان دهنده آن است که علیرغم کاهش نسبی جمعیت از ۱۰۴۹۵ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۲۹۳ نفر در سال

شاغلان از ۲۰۱۴ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۵۵۴ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است (طیبی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). براساس جدول (۴) این شاغلین عمدتاً در فعالیت‌های تجاری، حمل و نقل، اداری، آموزش، اداره امور عمومی، ساختمان و سایر فعالیت‌های این بخش مشغول هستند.

نسبی شهر است و قاعدتاً این روند بر بهبود کارکردهای روستایی نیز موثر خواهد بود. زیرا توزیع شاغلان در بخش‌های عمده فعالیت در شهر زاهدشهر نشان دهنده آن است که اقتصاد این شهر عمدتاً بر محور خدمات می چرخد، که این امر عموماً ناشی از مهاجرپذیری شهر می باشد. بطوریکه تعداد کل

جدول ۴- نوع فعالیت و اشتغال در زاهدشهر در بخش‌های مختلف اقتصادی در سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵

سال	کشاورزی		صنعت		خدمات		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۷۵	۵۵۷	۲۷/۶۵	۶۰۷	۳۰/۱۵	۸۵۰	۴۲/۲۰	۲۰۱۴	۱۰۰
۱۳۸۵	۲۶۱	۱۰/۲۰	۱۵۴	۶/۰	۲۱۴۰	۸۳/۷۵	۲۵۵۴	۱۰۰

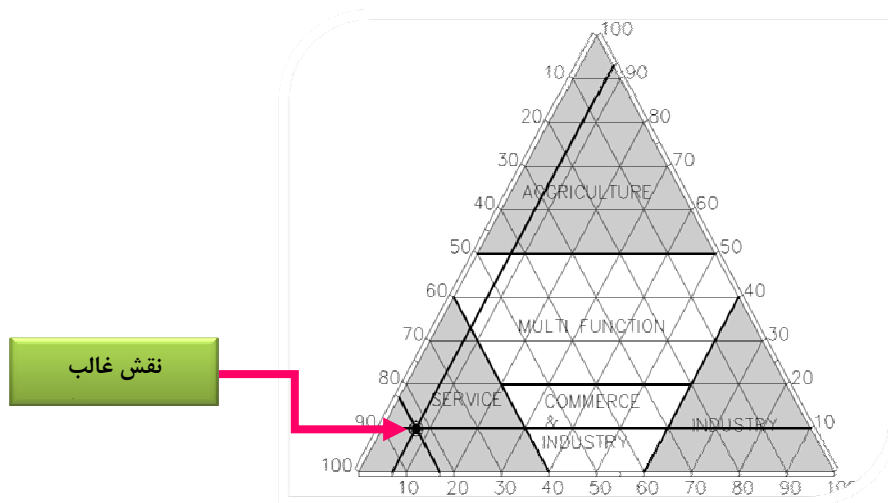
مأخذ: محاسبات نگارندگان بر پایه اطلاعات مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸.

خدمات، موقعیت و نحوه عملکرد غالب اقتصادی شهر را مشخص می کند، وضع و موقعیت عملکرد غالب شهر زاهدشهر در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ تعیین گردیده است. بر این اساس مشخص گردید که طی ۱۰ سال گذشته عملکرد غالب اقتصادی زاهدشهر خدماتی بوده و طی این سال‌ها تنها با تغییراتی جزئی، در جهت گرایش به سمت فعالیت‌های خدماتی و چند نقشی مواجه شده است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۷۵ عملکرد غالب اقتصادی شهر زاهدشهر بازرگانی با گرایش زیاد به سمت خدماتی و در سال ۱۳۸۵ عملکرد غالب شهر، خدماتی بوده است. از این رو می توان نتیجه گرفت که زاهدشهر طی سالهای ۸۵-۱۳۷۵ مرکز خرید مازاد تولیدات کشاورزی و دامی و محل فروش خدمات مورد نیاز به کشاورزان و دامداران بوده است. در هرم سه گوش زیر عملکرد غالب اقتصادی زاهدشهر آمده است.

براساس جدول ۴، از شهر زاهدشهر می توان به عنوان یک مرکز قوی خدمات رسانی به کل بخش شیبکوه نام برد. زیرا این شهر از یک طرف به عنوان بازار محصولات کشاورزی منطقه به شمار می رود و از طرف دیگر، به عنوان کانون تامین خدمات روستایی منطقه عمل می کند و این نکته ای است که در برنامه ریزی های آتی به ویژه در تعیین نقش و عملکرد این شهر در پهنه عملکردی خود، حایز اهمیت بسیاری است.

تحلیلی کارکردی از نقش اقتصادی زاهدشهر و حوزه نفوذ آن، با استفاده از مدل های اقتصادی الف- تحلیل نقش کارکردی زاهدشهر به روش بوژوگاریه و ژرژشاپو

با استفاده از روش بوژوگاریه که اشتغال در بخش های عمده فعالیت اقتصادی یا به عبارت دیگر، درصد شاغلین بخش های کشاورزی، صنعت و



شکل ۲- نمودار تعیین نقش غالب اقتصادی زاهدشهر به روش بوژه گارنیه

ماخذ: محاسبات نگارندگان بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

درآمد بیشتر برای شهروندان و در نتیجه بهبود وضعیت کمی و کیفی زندگی در شهر اقدام نمایند.

ب- تحلیل نقش کارکردی زاهدشهر به روش ضریب مکانی یا اقتصاد پایه

از لحاظ نظری، اقتصاد شهر را به دو بخش پایه و غیرپایه تقسیم می‌کنند. بخش پایه شامل تمام فعالیت‌هایی است که بازار نهایی آن‌ها در خارج از منطقه است و منجر به صدور کالا و خدمات می‌شود. بخش غیرپایه شامل آن قسمت از فعالیت‌های اقتصادی منطقه است که بازار نهایی آن‌ها درون منطقه است و برای مصرف داخلی کالا یا خدمات تولید می‌کند (صرافی، ۱۳۷۹: صص ۱۰۶-۱۰۵) معمولاً با افزایش فعالیت‌های پایه در یک منطقه، جریان درآمد منطقه افزایش می‌یابد که این افزایش موجب ازدیاد تقاضا برای کالا و خدمات در درون آن شده و نتیجتاً افزایش فعالیت‌های غیرپایه ای در منطقه را موجب می‌شود. بدین ترتیب فعالیت‌های پایه ای محرک

به این ترتیب، چنانچه با سیاست‌ها و برنامه‌های مدون و حساب شده نسبت به تغییر ساختار اشتغال در این شهر اقدام نشود، شهر به یک مرکز خدماتی و مصرف کننده تبدیل خواهد شد. در این رابطه می‌توان از متحول نمودن ساختار صنعتی شهر با اجرای پروژه‌های صنعتی - کشاورزی و یا صنعتی - دامداری یاد نمود. همچنین می‌توان با توجه به آب و هوا و اراضی زراعی مناسب شهر و نیروی انسانی بالقوه که از عشایر و ساکنان روستایی منطقه در شهر و حوزه نفوذ مسقیم آن، موجود است، نسبت به فعال نمودن بخش کشاورزی و افزایش میزان اشتغال، میزان تولید و صدور محصولات مازاد آن به سایر نقاط شهرستان و استان، عملکرد غالب اقتصادی شهر در آینده در محدوده بازرگانی یا چند نقشی نگهداشت. در چنین حالتی، از طریق برنامه ریزی‌های صحیح شهرها باید بتوانند علاوه بر تامین مایحتاج ساکنین، نسبت به صدور مازاد تولیدات خود به سایر نقاط و کسب

مکانی شهر در بخش‌های مختلف نسبت به سال ۱۳۷۵ تغییر کرده است، چنان که در بخش کشاورزی و صنعت رقمی پایین تری را نسبت به قبل نشان می‌دهد. اما در بخش خدمات این بخش رقم بالاتری را نشان می‌دهد که خود نشان دهنده رشد این بخش است. نتایج محاسباتی که در جدول (۵) آمده است نیز مؤید این مهم است که در زاهدشهر در سال ۱۳۸۵ ضریب مکانی شهر نسبت به سطوح مرجع خود در بخش صنعت درصد پائینی را نشان می‌دهد، اما در بخش‌های کشاورزی و خدمات ضریب مکانی شهر به نسبت سلسله مراتب خود مطلوب و خودکفتر است. از رابطه زیر برای محاسبات استفاده شده است:

$$LQ = \frac{EL_i}{ER_i}$$

اصولی تحولات به حساب می‌آیند و روی اقتصاد منطقه تاثیر افزایشی دارند (زیاری، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۴) برای شناسایی بخش پایه بهترین روش، روش ضریب مکانی (L.Q) می‌باشد. اگر $L.Q > 1$ باشد شهر صادرکننده آن کالا و خدمات است و آن بخش جز فعالیت‌های پایه ای است. اگر $L.Q < 1$ باشد شهر وارد کننده است و آن بخش جز فعالیت‌های غیرپایه ای است. اگر $L.Q = 1$ باشد شهر خودکفا است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۶۸).

بر اساس این مدل شهر زاهدشهر در دوره‌های مختلف وضعیت‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. بطوریکه ضریب مکانی زاهدشهر در سال ۱۳۷۵ در بخش‌های مختلف برابر ۱ بوده است که نشان دهنده پایه بودن (خودکفا بودن) اقتصاد شهر می‌باشد که نسبت به سطوح بالاتر خود وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد. در حالی که در سرشماری ۱۳۸۵ ضریب

جدول ۵- تعیین بخش اقتصادی پایه زاهدشهر به روش ضریب مکانی (L.Q) در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

تعیین L.Q زاهدشهر نسبت به سطوح مرجع			سهم هر بخش از کل اشتغال					
کشور	استان فارس	شهرستان فسا	کشور	استان فارس	شهرستان فسا	زاهدشهر	بخش اقتصادی	سال
۱,۱۷	۱,۱۶۷	۰,۹۴۸	۲۳,۶۰	۲۳,۷۰	۲۹,۱۷	۲۷,۶۶	کشاورزی	۱۳۷۵
۰,۹۶	۱,۰۴۶	۱,۰۶۰	۳۱,۳۰	۲۸,۸۰	۲۸,۴۲	۳۰,۱۴	صنعت	
۰,۹۴	۰,۸۸۹	۰,۹۹۵	۴۵,۱۰	۴۷,۵۰	۴۲,۴۱	۴۲,۲۰	خدمات	
-	-	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل	
۰,۴۳۱	۰,۴۰۳	۰,۳۴۸	۲۳,۶۰	۲۵,۲	۲۹,۱۷	۱۰,۱۸	کشاورزی	۱۳۸۵
۰,۲۰۷	۰,۲۲۸	۰,۲۲۸	۳۱,۳۰	۲۸,۵	۲۸,۴۲	۶,۵	صنعت	
۱,۸۴۷	۱,۷۹۹	۱,۹۶۴	۴۵,۱۰	۴۶,۳	۴۲,۴۱	۸۳,۳۲	خدمات	
-	-	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل	

ماخذ: محاسبات نگارندگان بر پایه اطلاعات مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸.

پایه‌ای بودن بخش کشاورزی هم نسبت به استان و هم نسبت به کشور
غیرپایه ای بودن خدمات در زاهدشهر نسبت به شهرستان و استان و کشور

نتایج حاصل از تحلیل مدل ضریب مکانی یا اقتصاد پایه نشان دهنده آن است که:
الف- تعیین بخش اقتصادی پایه زاهدشهر به روش ضریب مکانی در سال ۱۳۷۵

سرشماری، و بر پایه کلی و ملی، محاسبه می‌شود. به طور کلی این روش تفاوت رشد در بخش‌های اقتصادی منطقه را در مقایسه با رشد همان بخش‌ها در سطح ملی مورد بحث قرار می‌دهد. این اختلافات و تفاوت‌ها اگر مثبت باشد، نشان دهنده انتقال آن بخش از فعالیت‌ها به منطقه و اختلافات و تفاوت‌های منفی، معرف انتقال آن بخش از فعالیت‌ها از منطقه است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ۶۵-۶۴). بر اساس این مدل اقتصاد استان فارس در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به عنوان اقتصاد مرجع و اقتصاد شهر زاهدشهر در همین سال‌ها به عنوان اقتصاد محلی در نظر گرفته شده است. جدول (۶) تغییرات کمی بخش‌های اقتصادی استان فارس و شهر زاهدشهر در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ را براساس مدل فوق نشان می‌دهد. در این روش ضریب تغییرات از رابطه زیر به دست می‌آید:

غیر پایه‌ای بودن صنعت نسبت به کشور و پایه‌ای بودن آن نسبت به استان و شهرستان فسا
ب- تعیین بخش اقتصادی پایه زاهدشهر به روش ضریب مکانی در سال ۱۳۸۵
 پایه ای بودن بخش خدمات هم نسبت به استان و هم نسبت به کشور
 غیر پایه ای بودن کشاورزی در زاهدشهر نسبت به شهرستان و استان و کشور
 غیر پایه ای بودن صنعت نسبت به کشور و استان و شهرستان فسا (طیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

ج- تحلیل نقش کارکردی زاهدشهر بر اساس مدل ترسیمی طولی- عرضی ایزارد

این مدل روشی است که برای تحلیل موقعیت اقتصادی به منظور شناخت و پیش بینی سهم بخش‌های اقتصادی شهر یا منطقه در مقایسه با سطح ملی به کار رفته می‌شود. در این روش، آهنگ رشد در بخش‌های مختلف اقتصادی با توجه به دو دوره

جدول ۶- مقایسه تغییرات کمی بخش‌های اقتصادی استان فارس و شهر زاهدشهر (۸۵-۱۳۷۵)

ردیف	بخش	استان ۱۳۷۵	استان ۱۳۸۵	نسبت ۱۳۸۵ به ۱۳۷۵	زاهدشهر ۱۳۷۵	زاهدشهر ۱۳۸۵	نسبت ۱۳۸۵ به ۱۳۷۵
۱	کشاورزی	۲۱۱۴۸۲	۲۸۰۱۹۰	۱۳۲٫۴۹	۵۵۷	۲۶۰	۴۶٫۶۸
۲	صنعت	۲۵۵۸۷۵	۳۳۷۸۲۰	۱۳۲٫۰۲	۶۰۷	۱۶۶	۲۷٫۳۴
۳	خدمات	۴۰۹۱۶۸	۵۷۷۵۹۰	۱۴۱٫۱۶	۸۵۰	۲۱۲۸	۲۵۰٫۳۵
	جمع	۸۷۶۵۲۵	۸۷۶۵۲۵	۱۳۶٫۴۰	۲۰۱۴	۲۵۵۴	۱۲۶٫۸۱

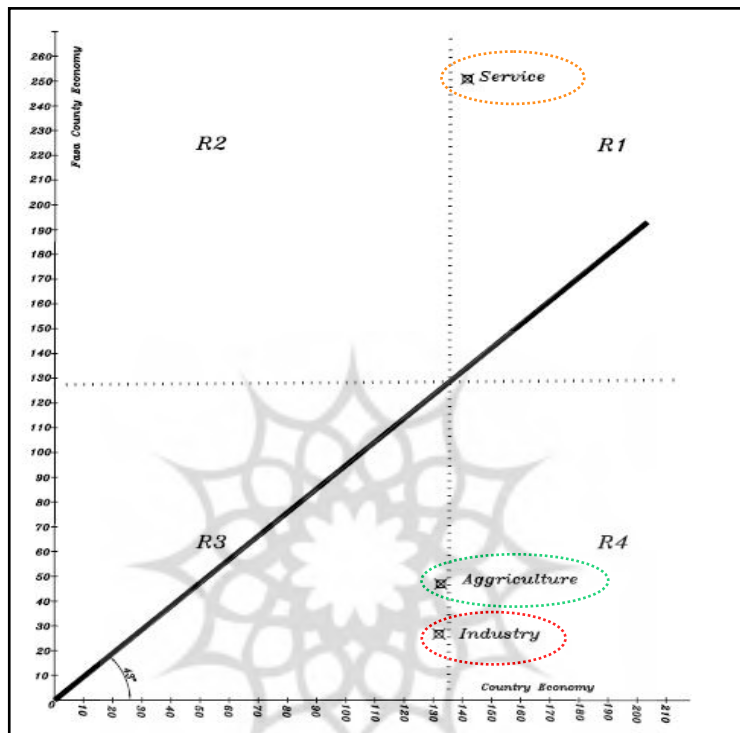
ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارنده، ۱۳۸۸

- شیب خط برابر ۱ (زاویه ۴۳ درجه) نشان دهنده همسویی روند رشد تعداد شاغلین در اقتصاد زاهدشهر با اقتصاد ملی در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ است.
 - موقعیت بخش خدمات در ناحیه ۱ نشان دهنده پیشی گرفتن رشد اشتغال در بخش خدمات، در زاهدشهر در مقایسه با بخش صنعت و در اقتصاد

شکل (۳) موقعیت بخش‌های اقتصادی شهر زاهدشهر و استان فارس را در مدل ایزارد طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل نمودار ایزارد در زاهدشهر نشان دهنده آن است که ؛

در این بخش‌ها نسبت به بخش خدمات در زاهدشهر و کاهش رشد تعداد شاغلین این بخش‌ها نسبت به متوسط رشد اقتصاد ملی در بخش خدمات است.

ملی پیشی گرفتن رشد تعداد شاغلین در این بخش نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی است.
- قرار گیری بخش‌های کشاورزی و صنعت در ناحیه ۳ نمودار نشان دهنده کندتر بودن رشد اشتغال



شکل ۳- موقعیت بخش‌های اقتصادی شهر زاهدشهر بر اساس مدل ایزارد ماخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۸۵

اجتماعی و در نهایت توسعه روستایی باشند. هر چند موضوع این تحقیق بررسی و تحلیل نقش اقتصادی شهر زاهدشهر بر توسعه مناطق روستایی حوزه نفوذ آن می باشد، لیکن چنانکه در طرح مساله نیز بیان شد، دامنه موضوع خیلی گسترده تر از نقش اقتصادی است. با این وجود محور اصلی تحقیق این بود که آیا زاهدشهر به عنوان شهر کوچک توانسته است نقش اقتصادی خویش را در توزیع کالا و خدمات رسانی به روستاییان حوزه نفوذ خود، به خوبی ایفا نماید؟ برای بررسی و تحلیل این مهم، راهبردهای موجود و نیز تکنیک‌ها و مدل‌های مرتبط با جایگاه شهرهای

نتایج و راهبردها

الف- نتیجه گیری

یکی از نقش‌های اساسی و حیاتی شهرهای کوچک، توسعه و تحرک بخشی به اقتصاد روستایی و بخش کشاورزی است. شهرهای کوچک دارای ساختار و بافت فیزیکی و اقتصادی خاصی برای انتقال و جریان دادن محصولات کشاورزی از مزرعه به بازارهای نهایی در مناطق روستایی می باشند و می توانند با انتقال نیروی انسانی متخصص، نوآوری و تکنیک به این نواحی، زمینه ساز تحولات اقتصادی -

اشتغال در این بخش‌ها نسبت به بخش خدمات در زاهدشهر می‌باشد که نسبت به سطوح ملی و منطقه ای از متوسط رشد اقتصادی وضعیت پایین تری را دارا می‌باشد. نهایتاً با بررسی نتایج حاصل از تحلیل مجموع یافته‌ها، باید گفت که شهر زاهدشهر با دارا بودن مراکز خدماتی نسبتاً مطلوب اداری، آموزشی، تجاری و غیره، به عنوان مرکز خرید مازاد تولیدات کشاورزی و محل ارائه خدمات مورد نیاز به ساکنین حوزه نفوذ شناخته می‌شود. به طوری که اهالی بخش شیبکوه بیشترین خدمات روزانه خود را از زاهدشهر تأمین می‌کنند. بنابراین، به این نتیجه می‌رسیم که شهر زاهدشهر به لحاظ توزیع کارکردهای اقتصادی در حوزه نفوذ روستایی خویش نسبتاً متناسب عمل کرده است.

ب- راهبردها و پیشنهادات آتی

اصولاً شکل‌گیری شهرهای کوچک به عنوان مراکزی مناسب در فضاهای روستایی با هدف انسجام فضایی، تعدیل نمودن مهاجرت‌های روستایی به سمت شهرهای بزرگ، توسعه اقتصادی و گسترش فعالیت‌های مکمل بخش کشاورزی و همچنین فعالیت‌های غیر کشاورزی در شهر و محیط پیرامون آن بر مبنای نظریات و راهبردهای علمی مورد تأکید قرار گرفته است، به عبارتی این نقاط به عنوان کانون‌های توانمند جهت رشد و توسعه مناطق روستایی مطرح شده‌اند که در سطح جهانی طی چنددهه گذشته برخی کشورها سیاست ایجاد و توسعه شهرهای کوچک را در راستای تمرکززدایی، جلوگیری از رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ و کلان شهرها و همچنین توزیع موزون جمعیت، انتخاب

کوچک در محدوده محلی و منطقه‌ای، بررسی گردید و مدل‌های متناسب با این منطقه انتخاب و تحلیل و بررسی گردید. به طور کلی از مجموعه مباحث و تحلیل این مدل‌ها، رهیافت‌های زیر اخذ شده است:

از بررسی اجمالی، وضع و موقعیت عملکرد غالب شهر زاهدشهر با استفاده مدل بوژوگاریه، در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ می‌توان نتیجه گرفت که نقش غالب زاهدشهر طی ۱۰ سال گذشته همواره به سمت خدماتی سوق یافته است. زیرا پس از تبدیل زاهدشهر به مرکز بخش شاهد تمرکز دستگاه‌های خدمات رسانی به مردم بخش در آن می‌باشیم که به شهر نقش ویژه‌ای در این ارتباط داده است. در عین حال در طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ ضریب مکانی شهر نسبت به سطوح مرجع خود (شهرستان فسا، استان فارس و کشور) در بخش‌های کشاورزی و صنعت درصد پایینی را نشان می‌دهد اما در بخش خدمات ضریب مکانی شهر به نسبت سلسله مراتب خود مطلوب و خودکف‌تر است. این یعنی پایه‌ای بودن بخش خدمات نسبت به سطوح مرجع و غیرپایه‌ای بودن بخش‌های کشاورزی و صنعت در این شهر. همچنین نتایج حاصل از تحلیل مدل ایزارد در خصوص زاهدشهر نشان از همسویی روند رشد تعداد شاغلین در اقتصاد زاهدشهر با اقتصاد ملی در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ است. موقعیت بخش خدمات در ناحیه ۱ این مدل نشان دهنده پیشی گرفتن رشد اشتغال در بخش خدمات زاهدشهر در مقایسه با بخش صنعت و کشاورزی می‌باشد که از این حیث دارای وضعیت مناسبی می‌باشد. همچنین قرارگیری بخش‌های کشاورزی و صنعت در ناحیه ۳ نمودار حاصل از مدل ایزارد نشان دهنده کندتر شدن رشد

شهرهای کوچک دارای ساختار و بافت فیزیکی و اقتصادی خاصی برای انتقال و جریان دادن محصولات کشاورزی از مزرعه به بازارهای نهایی در منطقه هستند و می‌توانند با انتقال نیروی انسانی متخصص، نوآوری و تکنیک به این نواحی، زمینه ساز تحولات اقتصادی - اجتماعی و در نهایت توسعه روستایی باشند.

حمل و نقل و ارتباطات به عنوان زیربنای توسعه در هر منطقه محسوب می‌گردد. در این خصوص لازم است زمینه‌های ارتباط روستاهای پیرامون هم از لحاظ سیستم‌های مخابراتی و هم از لحاظ مسیر جاده‌ای تا نقطه شهری، با کیفیت مناسب فراهم گردد. شهر زاهدشهر زمانی می‌تواند به عنوان یک مکان مرکزی انگیزش و قوه محرکه اقتصاد روستایی حوزه نفوذ روستایی خویش عمل نماید که از شبکه ارتباطی کارآمد و قابل قبول برخوردار باشد، تا بتواند نقش مرکزی بازاری برای تولیدات روستاها را ایفا نماید.

عمدتاً شهرهای کوچک و یا به عبارتی اکثر روستاهای بزرگ که در دهه گذشته در ایران تبدیل به نقطه شهری شده اند با کمبود خدمات پشتیبان مواجه می‌باشند. وجود خدمات پشتیبانی تولید در شهرهای کوچک باعث تشویق شاغلین بخش کشاورزی به افزایش تولیدات و جلوگیری از ضایع شدن محصولات فسادپذیر، در زمانی که بازار به حد اشباع رسیده است، می‌گردد. از آن جایی که زاهدشهر می‌تواند نقش توسعه و تجهیز فعالیت‌های کشاورزی و روستایی را داشته باشد، نیازمند ایجاد و توسعه مراکز و تاسیسات پروسه تبدیل محصولات، انبارداری و بسته بندی و توزیع فرآورده‌ها به سایر

نموده اند. با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، جهت بررسی نقش شهرهای کوچک بر روستاهای پیرامون در ابعاد مورد نظر با تدوین اهداف و سیاست‌ها و ارائه برخی موارد در راستای تقویت نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف آن، بر مبنای نتایج تحقیقات به عمل آمده در زاهدشهر و روستاهای حوزه نفوذ آن، ضمن مثبت ارزیابی نمودن سیاست تبدیل روستاهای بزرگ و مرکزی به شهرهای کوچک پیشنهادت زیر مد نظر قرار گرفته است:

یافته‌های این پژوهش نشان دهنده آن است که نقش غالب زاهدشهر طی ۱۰ سال گذشته همواره به سمت خدماتی سوق یافته است، زیرا شیب خط حاصل از تحلیل نمودار آیزارد برای این شهر برابر ۱ (زاویه ۴۳ درجه) بوده که نمایانگر همسویی روند رشد تعداد شاغلین در اقتصاد زاهدشهر با اقتصاد ملی در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ است. بنابراین، چنانچه با سیاست‌ها و برنامه‌های مدون و حساب شده نسبت به تغییر ساختار اشتغال در شهر زاهدشهر اقدام نشود، شهر به یک مرکز خدماتی و مصرف کننده تبدیل خواهد شد. در این رابطه می‌توان از متحول نمودن ساختار صنعتی شهر با اجرای پروژه‌های صنعتی - کشاورزی و یا صنعتی - دامداری یاد نمود. همچنین می‌توان با توجه به آب و هوا و اراضی مناسب و نیروی انسانی بالقوه ای که از عشایر و ساکنان روستایی منطقه در شهر موجود است، نسبت به توسعه کشاورزی و افزایش اشتغال، میزان تولید و صدور محصولات مازاد آن به سایر نقاط استان و کشور، عملکرد شهر را در آینده در محدوده بازرگانی یا چند نقشی هدایت کرد.

منابع

ایزدی، حسن، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد مطالعه استان فارس، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۰.

جعفرزاده راستین، مهرداد، جمعیت و شهرنشینی، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶، تهران، ۲۶۹ صفحه.

جوکار، علی، نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای؛ مطالعه موردی: شهر فیروزآباد- فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۸۶.

حکمت‌نیا، حسن و میر نجف موسوی. کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه-ای. انتشارات علم نوین، ۱۳۸۵، تهران، ۳۲۰ صفحه.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و حسن ایزدی، نقش تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در نواحی روستایی (مورد استان فارس)، دومین همایش دوساله اقتصاد ایران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱، تهران، ۳۵ صفحه.

زبردست، اسفندیار، اندازه شهر، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳، تهران، ۲۲۰ صفحه.

زیاری، کرامت الله، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۰، یزد، ۳۲۴ صفحه.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس، آمارنامه استان فارس، ۱۳۸۵، شیراز، ۷۷۳ صفحه.

سرایلی، محمدحسین و محمد اسکندی ثانی، تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آنها

نقاط یا کشور است. از این رو توجه به این کارکرد در برنامه ریزی‌ها ضروری است.

با توجه به اینکه در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرهای کوچک از جمله زاهدشهر فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی فعالیت غالب محسوب می شود، بنابراین این شهر به عنوان کانون مرکزی برای روستاهای پیرامون نقشی مهم در خصوص ایجاد مراکز مبادلاتی و بازارهای محلی جهت خرید تولیدات مازاد کشاورزی و عرضه کالاهای غیرکشاورزی ایفا می نماید. این موضوع باعث تقویت بخش کشاورزی و تاثیر متقابل آن بر فعالیت‌های غیرکشاورزی خواهد شد و یا به عبارتی افزایش قدرت خرید و به تبع آن افزایش تقاضا جهت خرید محصولات غیرکشاورزی در شهر توسط کشاورزان و روستاییان را در پی خواهد داشت و از طرفی تشدید روابط شهر و روستاهای پیرامون را باعث می گردد.

با توجه به این که امروزه جمعیت جوان شهرهای کوچک و روستاهای پیرامونی آنها، عمدتاً متقاضیان خدمات رفاهی فرهنگی و ورزشی می باشند، و از طرفی در شهرهای کوچک به دلیل کمبود اعتبارات تا چند سال بعد از شهر شدن فقدان این نوع خدمات مشهود می باشد؛ بنابراین لازم است به تقویت زیرساخت‌های تفریحی، فرهنگی و ورزشی، برای تثبیت جمعیت به خصوص جمعیت جوان و شکوفایی استعدادهای قشر مذکور در این شهرها بیش از پیش توجه گردد.

مهندسان مشاور DHV از هلند، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، ترجمه بهنام شاهپوری و دیگران، روستا و توسعه ۱۳۷۵، تهران، ۵۴۵ صفحه.

نادری، بهنام، نقش شهرهای کوچک در توسعه پایدار، مطالعه موردی: قائمیه- فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

نوذری، معراج، بررسی اثرات شکل گیری شهرهای کوچک در محیط روستایی نمونه موردی: شهر بیضاء استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶.

نظریان، اصغر، نقش شهرهای کوچک در ساماندهی فضایی و توسعه ملی (مورد استان زنجان)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، ۱۳۷۵، صص ۴۸ - ۷۱.

نوری، هدایت الله، حسن حسینی ابری و حسین خادمی، نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۸، صص ۶۱ - ۷۸.

Avit, i G. Rafi A. (1999). Gomorphology and the Urban Tropics, Elsvier Science, p218.

Deyin, Y. & Sun Z. (1982). The Strategic Objective of Urban Development in China: Taking Vigorous Action to Develop Small Cities, p324.

Douglass, M. (1998) A Reginal Network Strategy for Reginal Reciprocal Rural-Urban Linkages, Vol.2., 1: 1-33.

Evans, H., Emrys. A (1992). Virtuou Circle Model of Rural-Urban Development: Evidence from a Kenyan Small Towns and its Hinterland. p689.

در تعادل بخشی ناحیه ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۶، زاهدان، صص ۱۶۵-۱۸۲.

سیف الدینی، فرانک، فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸، شیراز، ۵۱۶ صفحه.

شکویی، حسین، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، تهران، ۵۶۸ صفحه.

صرافی، مظفر، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم ۱۳۷۹، تهران، ۲۰۶ صفحه.

طیبی، نجمه، نقش شهرهای کوچک در توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی؛ زاهد شهر در شهرستان فسا، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸.

عابدین درکوش، سعید، درآمدی به اقتصاد شهری، نشر دانشگاهی، چاپ دوم ۱۳۷۲، تهران، ۲۸۲ صفحه.

علی بابایی، محمدرضا، بررسی نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی فضایی جمعیت استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱.

فنی، زهره، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای، سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲، تهران، ۱۳۸ صفحه.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، آبان ماه ۱۳۷۵ و آبان ماه ۱۳۸۵.

- Small Towns Rural- Urban Linkages and Decentralisation in Ghana, p321.
- Randinelli. D. A. (1983). Towns and Small Cities in Development Countries, the Geographical Review, Vol.73. 4:29-30.
- Scottish, T. (2005). Agricultural College, University of Gloucestershire, Economic Linkages between Small Towns and Surrounding Rural Areas in Scotland, P297.
- Yamshita, M. (2004). Decline and Approaches to Revitalization in Small Cities, the Case of Saga, Japan, Dela, Vol. 21: 461-473.
- Hahs, A. K., McDonnell, M.J. (2005) Selecting Independent Measure to Quantity Melbourne Urban-Rural Gradient, Landurbplan Journal, vol 23: 76-89.
- Harris, D., Tanaka, D. (2005). Tool for Small Towns, Center for Governmental Services, Auburn University, p272.
- Lin, G. (2005). Small Towns in Socialist China: A Functional Analysis Geoforum, Vol. 24. (3): 327- 338.
- Omoja, L. (1987). The Role of Small Towns in Rural Development in Bornostats Nigeria, UK, Landan University, p213.
- Omoja, O. G. (2005). The Role of District capitals in Regional Development: Linking



Functional Analysis of Economical Role of Small Towns on Rural Development Case study: Zahedshahr in Fasa Shibkouh district

I. Ebrahimzadeh. N. Tayebi. Y. SHafiei

Received: May 4, 2010 / Accepted: October 15, 2011, 41-46 P

Extended Abstract

1- Introduction

Today, given the overcrowded cities and their consequences, and the high costs of new town constructions in Iran, their incomplete success, and supporting satellite cities which in turn, leads to centralization and more pressure on the metropolises in long term (Sarabi & Eskandarisani, 2007: 166). Creation of small towns is a good way for decentralization, countrywide development, and supporting a regular rural-urban network (Izadi, 2001: 147). Small rural towns play an influential role in reducing rural-urban immigration and provide balanced distribution of

population, facilities, and capitals, by creating off-farm jobs and providing required services (Rokn aldin Eftekhari & Izadi, 2002, 53). Today this approach is being discussed as Urban Function in Rural Development (UFRD) that links the creation of small towns in functional link with rural areas (Sarafi, 2000: 130). By paying attention to small towns, cities problems such as housing shortage, unemployment, traffic, etc can be solvable, which is caused by lack of attention to their function, to some extent will diminish (Jowkar, 2007: 3). Zahedshahr as a small town in Fars province with a 20-year history of urbanization and having natural, human, economical and social trait is suffering from partial underdevelopment and deprivation. Though after 17 years of its conversion to the capital of Shirkouh district some extent of expansion in facilities, business, transport and services has been made. Traditional parts are in transition and coexistence with new

Author(s)

I. Ebrahimzadeh (✉)

Associate professor of geography and urban and regional planning,
University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran
e-mail: iazh@gep.usb.ac.ir

N. Tayebi

M.A of geography and Rural planning, University of Sistan and
Baluchestan, Zahedan, Iran

Y. SHafiei

M.A of geography and Urban planning, University of Sistan and
Baluchestan, Zahedan, Iran

functions, relatively low movements of rural economy and region and lack of attention to its internal capacities, largely has limited Zahedshahr's rural area possibilities of positive changes. Recognizing urban and rural area's potentials (agricultural, livestock, tourism, etc.) and providing written programs can improve the current situation. Observing existing problems in Shirkouh district, in this study, an effort has been made to present development practical guidelines in this district, using BeaujoGarnier models, location quotient, and Izard model.

2- Theoretical bases

The development strategy of small towns as well as the medium-sized ones was being discussed since the 70s. According to the central location theory as the frame of this discussion, cities and towns should be recognized in relation to each other so that the suitable space and functional composition would be guaranteed by the size and position in the urban hierarchy. Later this idea was trimmed by "Rondinelli" as Urban Functional approach in Rural Development (UFRD) and Jonson's defense of choosing the key rural towns in rural development centers as a series of roles being played by small towns and towns in rural areas was reinterpreted by Rondinelli (Douglass, 1998: 5). Rondinelli & Rodell (1976) discussed that small towns play an essential role in motivating the development in rural areas in developing countries by providing them with merchandise. Indeed, the strategy of small towns is a bottom-up approach; and this is a reaction to discontentment with the bottom-up approaches in the regional planning of

developing countries. This approach is rooted in the neoclassical theory; because this approach is arguing that the manufacturing investment should be concentrated on urban industrial centers in order to use foreign savings, labor allocation, and incentive-cumulative processes (Omoja Lawrence, 1987: 67-69). In other word, all the approaches emerged in the 70s and 80s, such as basic needs approach, rural-urban development, the scope of choosed package, accelerated growth approaches, etc., have been emphasized on creating and moving the small towns' centers in rural areas. Though there are significant differences between different approaches about emphasizing urban centers' role and improving rural development. Research findings in different regions have been showed that the adequate link between towns and small towns and their sphere of influence enhance, will be able to articulate the settlement systems in these areas and help tointegrate in the national economy. In fact, towns and small towns would be able to act as centers of marketing, services, trading and processing agricultural products, transportation, communications, and exchange and also centers of small-scale industries in order to promot innovation and social interactions (Rondinelli, 1983: 379). Today, though the role of towns and small towns has been identified, in order to comprehensively identify the characteristics and problems of towns and small towns, recognizing the policies essential to their development it is required (George, 1993: 337).

3- Discussion

Zahedshahr is located in 53°45'E, and 28°45'N, as the center of Shibkouh

district in southeast of Fasa county. It is located in a plain land among two mountains and so caused its linear growth alongside Zahedshahr-Fasa road. This road is passed through the town as its backbone. The Zahedshahr plain' altitude is more than 1200m. Origination of the town of Zahedshahr has been caused by a gradual transformation in a rural settlement to the center of the region; so that it was counted as a rural in census before 1989. According to the Population and Housing Census in 2006, Zahedshahr has had a population of 10293 with 2301 household (Iran Census Center, 2006). Shibkouh district with an area of 1004 km² cover about %24 of Fasa County. This district is located in the southwest of the Fasa County. It is the second most important district in the county because of its special position; so that as the second town after Fasa, it partially provides the services needed by Shibkouh inhabitants. Being located alongside the Fasa-Jahrom main communicating road has increased its regional importance. Its relatively high population as the capital of Shibkouh district, shows its importance and role in the demographic structure of southwest of the county. One of the basic factor and urban and regional planning studying is to consider the economy of the region under discussion. Zahedshahr acts as the center of providing services in Shibkouh district, which is basically an agricultural region. Apart from its economical hinterland, the attitude towards the city is largely partial and the role of city would be recognized well when it's being considered as a part of the overall system it belongs. Meanwhile studying the effective and important economic index and indicators is important. Indices such as the employment rate, unemployment rate,

sponsorship, transmittancy of active forces in different services, industrial, and agricultural sectors, cost, real estate pricing, income indices as well as, studying the status of regional financial markets, active regional cooperatives, and manufacturing units is also important which has been described for Zahedshahr and its rural area, in the next section. Regarding the fact that Zahedshahr is the capital of Shibkouh district, in which some of office, services, and manufacturing centers are located and Fasa to Miande and Jahrom communicating road is passing through it, it can be the center of population attraction from surrounding areas, and would affect the development of the county as well.

4- Conclusion

Developing and motivating the rural economy and agricultural sector is one of the most important and essential role of small towns. Having a special structure and physical fabric, small towns are capable of transmitting and conducting agricultural products from farm to final markets in rural areas. They also would be able to create social-economical developments by transmitting human specialists, innovation, and technology to rural areas. Using Beaujo Garnier model, from over-viewing position and situation of overall performance of Zahedshahr in 1996 and 2006, it can be concluded that its overall role was towards providing services in the past 10 years; because following Zahedshahr's conversion to the capital of the district shows centralization of services. However, during 96-06, its location quotient shows lower percent than its reference levels (Fasa county, Fars province, and the country) in

agricultural and industrial sectors; but in services the location quotient is higher and more self-sufficient than its hierarchy. This would mean the services being and the agricultural and industrial sectors being the results of Izard analysis model of Zahedshahr shows a parallel growth in number of employed in Zahedshahr economy and the national economy in 96-06. The position of services in area 1 of this model represents that Zahedshahr's employment growth exceeds in services compared to industrial and agricultural sectors. The position of industrial and agricultural sectors in area 3 of diagram resulting from Izard model, also indicates a decrease in employment growth in this sectors compared to the services in Zahedshahr which has a lower average economical growth compared to national and regional levels. Finally, by investigating the results from analysis of findings, it should be noted that having relatively ideal commercial, educational, administrative, etc. centers, Zahedshahr is known as a market for agricultural products surplus and a place for providing services to the dwellers of the sphere of influence; so that the inhabitants of Shibkouh district, are receiving their daily services from Zahedshahr. Therefore, it's been concluded that Zahedshahr has relatively functioned appropriate in distributing economical functions in its rural sphere of influence.

5- Suggestions

1. This study's findings states that the overall role of Zahedshahr was towards providing services, because the slope resulting from the analysis of Izard diagram of Zahedshahr is 1 (an angle of 43°) which represents a parallel growth in number of employed in Zahedshahr

economy and the national economy in 96-06. Now if a strategical and planned effort to change employment structure in Zahedshahr isn't made, the town would become a consumer and a service center. In this regard, the conversion of the industrial structure of the town by performing industrial-agricultural or livestock-industrial projects can be named. According to weather, appropriate land, and potential manpower from nomads and rural residents, it is also possible to guide the future function of the town towards agricultural development, increase in employment, production rate, and exporting surplus products to other parts of the province or country, in trading or multitasking.

2. Having a special structure and physical fabric, small towns are capable of transmitting and conducting agricultural products from farm to final markets in rural areas; and by transmitting human specialists, innovation, and technology to rural areas, they can also create social-economical developments.

3. Transportations and communications are considered the infrastructures of development in any region. In this regard, communications for surrounding villages should be provided both of telecommunication systems and roads to the city with good quality. Zahedshahr would be able to perform as a motivating center and a driving force for the rural economy in its rural sphere of influence, when it has an efficient and appropriate communication network to play the role of market center for rural productions.

4. Small towns or in other words most of big villages which have been converted to a city in the previous decade, are mainly suffering from lack of supporting

services. The existence of supporting services in towns would encourage the agricultural workers to increase their products and prevent putrescible products from being wasted during which the markets are completely saturated. Since Zahedshahr can play the role of developing and equipping rural and agricultural activities, it would need to create and develop the centers for conversion, storage, packing, and distribution and transmitting of products to other regions or countries; so careful consideration to this function is essential in programming.

Key words: towns, economical function, service providing, rural development, Zahedshahr.

Resources

- Ali Babaei, M., (2002), The role of small towns in the balance of the atmosphere of Sistan and Baluchestan, geography and urban planning master's thesis, University of Sistan and Baluchestan,
- Avit, i G. Rafi A. (1999), Gomorphology and the Urban Tropics, Elsiver Science, p218.
- Deyin, Y. & Sun Z. (1982), The Strategic Objective of Urban Development in China: Taking Vigorous Action to Develop Small Cities, p324.
- DHV Consulting Engineers of the Netherlands, guidelines for planning rural centers, Behnam Shahpuri and others called, Tehran, Rural Development and in 1375, p545
- Douglass, M. (1998), A Reginal Network Strategy for Reginal Reciprocal Rural-Urban Linkages, Vol.2, .1: 1-33.
- Drkvsh Abedin, S., (1993), Introduction to Urban Economics, Tehran University Press, second edition, pp282.
- Evans, H., Emrys. A (1992), Virtuous Circle Model of Rural-Urban Development: Evidence from a Kenyan Small Towns and its Hinterland. p689.
- Fanni, Zohre, (2003), small towns in regional development approach, Tehran, organized by the Municipality, p138.
- Hahs, A. K., Mcdonnell, M.J. (2005), Selecting Independent Measure to Quantity Melbourne Urban-Rural Gradient, Landurbplan Journal, vol 23: 76-89.
- Harris, D., Tanaka, D. (2005). Tool for Small Towns, Center for Governmental Services, Auburn University, p272.
- Hekmat nia, and Mir Hassan Mousavi Najaf. (2006), Model application in Geography with emphasis on Urban and Regional Planning. New Science Press, p20.
- Izadi, H., (2001), Transform its role in the development of urban and rural areas of Fars Province, Ph.D. thesis, Tarbiat Modarres University, Tehran, 2001
- Jafarzadeh Rastin, M., (1997), Population and urbanization, Tehran, Iran Statistics Center, p269.
- Jokar, Ali, (2007), The role of small towns in regional development; Case Study: City Firouzabad- Fars, geography and urban planning master's thesis, Tarbiat Moalem University, Tehran,
- Lin, G. (2005). Small Towns in Socialist China: A Functional Analysis Geoforum, Vol. 24. (3): 327- 338.
- Management and Planning Organization of Fars, Fars Marnamh, (2006), p773.

- Naderi, B., (2008), sustainable development of small towns, case study: Qaymyh - Fars, geography and urban planning master's thesis, Tehran University,
- Nazarian, Asghar, (1996), The organizing role of small towns in national development (the province), *Geographical Research Quarterly*, No. 3, , pp 48 – 71.
- Nozari, Meeraj, (2007), The effects of small towns in rural environmental samples: Byza' city of Fars province, Shiraz University master's thesis,
- Nuori, HedayetAllah, Hassan Hosseini Abari and Hossein Khademi, The role of small towns and rural settlements in the balance part of Yazd province, *Journal of Geography and Development*, Number 13, Spring 2009, pp 61-78.
- Omoja, L. (1987). The Role of Small Twons in Rural Development in Bornostats Nigeria, UK, Landan University, p213.
- Omoja, O. G. (2005). The Role of District capitals in Reginal Development: Linking Small Towns Rural- Urban Linkages and Decentralisation in Ghana, p321.
- Randinelli. D. A. (1983). Towns and Small Cities in Development Countries, the *Geographical Reviw*e, Vol.73. 4:29-30.
- Rukn al-Din Eftekhari, A. and H. Izadi,(2002), a role in increasing rural-urban employment opportunities and reduce unemployment in rural areas (the province), the second biennial conference of Iran, Tarbiat Modarres University, Tehran, p35.
- Saraei, MH and Mohammad Askndy Sani, (2007), into large villages to small towns and their role of regional equilibrium Case study: Ryvsh city of Kashmar, *Journal of Geography and Development*, Number 10, spring, pp165-182.
- Sarrafi, Mozaffar, (2000), foundations, regional development planning, Tehran, Plan and Budget Organization, second edition, p568.
- Scottish, T. (2005). *Agricultural College, University of Gloucestershire, Economic Linkages between Small Towns and Surrounding Rural Areas in Scotland*, P297.
- Seif al-Dini, F,(1999) culture, urban and regional planning vocabulary, Shiraz, Shiraz University Press, p516.
- Shakoei, Hossain, New perspectives in urban geography, Tehran, side,(2006), p568.
- Statistical Center of Iran, General Population and Housing Census, October 1996, November 1996 and November 2006
- Tayebi, N, (2009), The Role of Small Towns in Development of Rural Regions, case study; Zahedshahr of Fasa, geography and urban planning master's thesis, University of Sistan and Baluchestan,
- Yamshita, M. (2004). Declive and Approaches to Revitalization in Small Cities, the Case of Saga, Japan, *Dela*, Vol. 21: 461-473.
- Zebardast, Esfandiar, City Size, Tehran, Center for Architectural & Urban Studies and Research of Iran, (2004), p220
- Ziari, K, (2001), Principles and Methods of Regional Planning, University of Elm,o Sanaat, Second Edition, Tehran, p324.